

مبانی، شیوه‌ها و موانع دعا از دیدگاه قرآن

صدیقه میرشمسی^۱

چکیده

دعا دری است از رحمت واسعه الهی که خداوند به روی بندگان گشوده. دری که او بگشاید کسی را یارای بستن آن نیست. دعا رابطه عاشقانه با خداست و این رابطه دوجانبه است، به نحوی که خدای تعالی هم آغازگر آن است و هم مشوق و تضمین‌کننده اجابت آن. او خود به دعا، امر و تشویق کرده و اجابت آن را نیز بدون قید و شرط بر عهده گرفته است. دعا کردن نوعی عبادت، و پرهیز از آن، تکبر و گردن‌کشی در برابر پروردگار عالم است. روح دعا، عبادت و نیایش، و شرط تحقق آن، اخلاص است. از دیگر شرایط مهم تحقق دعا، احساس نیاز و ذلت در پیشگاه بی‌نیاز است و از زمینه‌های مهم استجاب دعا، استغفار، برشمردن نعمت‌ها، شکرگزاری، توکل و واگذاری نتیجه به خود اوست. از عوامل مؤثر در اجابت دعا، پافشاری در دعا، انتظار اجابت و دعا کردن در هر حالی، چه در گرفتاری و چه در آسایش، است. دعا، خط اتصال میان خداوند و انسان است. دعا باطن انسان را پالایش می‌کند. وقتی دعا می‌کنیم، یعنی انتخاب شده‌ایم، پس جواب هم دریافت می‌کنیم؛ ضمن آنکه وقتی انسان به سختی می‌افتد خدا را می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: دعا، نیایش، استغفار، اجابت، اخلاص، طلب.

^۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال

مقدمه

به هنگام خواندن ادعیه و اسماء و صفات الهی، لازم است که به توحید حق تعالی به گونه‌ای که لایق ساحت کبریایی اوست، در سه مقام توجه شود: اول، در مقام اعتقاد که عبارت است از اثبات اسماء حسنی و صفات علیای الهی. دوم، در مقام اخلاق و آن عبارت است از تخلّق به اخلاق کریمه از قبیل رضا، تسلیم، شجاعت، عفت، سخاوت، رحمت و ... و اجتناب از صفات رذیله، چنان که در روایت آمده است: «تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ يَظْهَرُ لَكُمْ»^۱، خود را به اخلاق الهی بیارایید تا مظهر تجلی صفات الهی شوید. تخلیه نفس از رذائل اخلاقی و آراستن آن به فضائل و مکارم اخلاق، انسان را محل ظهور تجلی انوار الهی می‌کند. یکی از عارفان در راه حج به بزرگی برخورد و از او خواست وی را موعظه کند. او گفت: «این سینه حرم خاص خداست، تا توانی نامحرم در این حرم راه مده». سوم، در مقام فعل است و آن عبارت است از به جا آوردن اعمال شایسته و پرهیز از محرمات.

نکته دیگر آنکه نخستین مرحله در دعا، طلب است و آنچه انگیزه طلب می‌شود، احساس نقص و فقر است. انسان وقتی احساس فقر و نقص می‌کند، خود را محتاج کمال می‌بیند و حالتی در او پدید می‌آید که به آن «طلب» می‌گویند. طلب، مبدأ نجات و آغاز سیر به طرف کمال است، هرچند خداوند فیاض است، ولی شرط لازم برای استفاضه، طلب است. احساس فقر، سبب خضوع و بندگی می‌شود و رقت قلب پدید می‌آورد و سبب جاری شدن اشک می‌شود. مرحله دوم، استغفار است؛ همچنان که در تعالیم دین آمده: «خَيْرُ الدُّعَاءِ الْإِسْتِغْفَارُ»^۲، «غُفْرَانُكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ»^۳، «عَجِبْتُ لِمَنْ يَقْنَطُ وَمَعَهُ الْإِسْتِغْفَارُ»^۴. مرحله سوم: توبه، و آن بیداری روح است از غفلت و بی‌خبری، که بر سه اصل استوار است: اصل اول، ندامت و گریه در اثر سوختن دل. اصل دوم عزم بر ترک و اصل سوم، جبران کارهای گذشته و پاک کردن خویش از مظالم است:

طفل جان از شیر شیطان باز کن بعد از آتش با ملک دمساز کن

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۱۲۹.

۲. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۲۸۱: بهترین دعا استغفار است.

۳. بقره / ۲۸۵: پروردگارا آمرزش تو را طلب می‌کنم و بازگشت به سوی توست.

۴. نهج البلاغه، حکمت ۸۴: عجب دارم از کسی که نومید می‌شود، در حالی که برای او استغفار است.

تا تو تاریک و ملول و تیره‌ای دان که با دیو لعین همشیره‌ای^۱

نکته سوم آنکه دعا دری است که خداوند به روی بندگانش گشوده و دری که او بگشاید هیچ کس را یارای بستن آن نیست، چنان که خود فرمود: «مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا».^۲

دعا به عنوان ارتباطی عاشقانه

دعا ارتباط با خدا و رابطه عاشقانه با اوست. انسان با کردگار هستی، رابطه‌ای دو جانبه دارد: خداوند از طریق وحی، الهام، اشراق و افاضات دیگر، با انسان رابطه برقرار می‌کند و انسان نیز از طریق نیایش و دعا به خداوند تقرب می‌جوید. آغازگر این رابطه عاشقانه خود خداوند است، چنان که فرمود: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ».^۳ دعا در لغت به معنای خواندن و حاجت خواستن و استمداد و گاهی مطلق فراخواندن است. این کلمه در قرآن نیز به معنای فراخواندن به کار رفته است: «قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَ نَهَارًا فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا».^۴ «استجاب» دو معنا دارد: اول، به معنای ندای کسی را جواب دادن و پاسخ کسی را دادن است، حتی اگر این پاسخ منفی باشد و معنای دوم، پاسخ مثبت دادن به کسی و خواسته و حاجت کسی را برآورده کردن است. ظاهراً «استجاب» در قرآن به هر دو معنا به کار رفته است.^۵

هر دعا انسان، ما بین دو دعای خداوند قرار می‌گیرد، وقتی دعا می‌کنیم یعنی انتخاب شده‌ایم تا مورد اجابت واقع شویم: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ».^۶ آیه فوق نشان‌دهنده کمال التفات و توجه خداوند به بنده است، به گونه‌ایی که اگر بنده حقیقتاً او را بخواند، خداوند اجابت دعای او را بدون قید و شرط تضمین نموده است.

۱. مولوی، مثنوی، دفتر اول، ص ۱۰۱.

۲. فاطر / ۲: هر رحمتی را که خداوند برای مردم بگشاید بازدارنده‌ای برای آن نیست.

۳. غافر، ۶: و پروردگارتان گفت مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را.

۴. نوح / ۵ و ۶: [نوح به خداوند] فرمود: ای مالک و صاحب اختیارم، من قوم خویش را شب و روز فراخواندم، ولی دعوت و فرخواندن من جز فرار، نتیجه و فایده‌ای برای آن‌ها نداشت.

۵. «الْجَوَابُ يُقَالُ فِي مَقَابَلَةِ السُّؤَالِ وَالسُّؤَالِ عَلَى ضَرْبَيْنِ: طَلَبُ الْمَقَالِ وَجَوَابَةُ الْمَقَالِ وَطَلَبُ النَّوَالِ [عطا] وَجَوَابَةُ النَّوَالِ» (مفردات الفاظ القرآن).

۶. البقره / ۱۸۶: و هنگامی که بندگانم از تو درباره من می‌پرسند، من نزدیکم و کسی که مرا صدا بزند، پاسخش را می‌دهم، پس باید به خواسته من پاسخ مثبت دهند و به من ایمان آورند تا به رشد و کمال برسند.

دعا، جمع آن ادعیه و آن، سخنی است که خدا را با آن می‌خوانند^۱ و دعا خواندن، رغبت به سوی معبود یگانه است.^۲ مولانا در این باره سروده است:

این دعا تو امر کردی ز ابتدا ورنه خاکی را چه زهره این بدی^۳
هم از اول تو دهی میل دعا تو دهی آخر دعاها را جزا
جز تو پیش کی برآرد بنده دست هم دعا و هم اجابت از تو است^۴
این دعا هم بخشش و تعلیم توست گرنه در گلخن گلستان از چه رُست؟^۵

اهمیت دعا

در اهمیت دعا همین بس که دعا کردن را خداوند بعد از خلقت آدم و همسرش و آوردن آنان بر روی زمین، خودش به آنان آموخت، اگرچه میل به دعا و سخن گفتن با خدایش در فطرت او نهاده بود و به جهت همین میل طبیعی بشر، خدای تعالی پیوسته او را از طریق پیامبران و کتب آسمانی، به دعا و طلب کردن از خود دعوت می‌کند: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»^۶ پروردگارتان فرموده است مرا بخوانید تا اجابتان کنم. بی‌تردید کسانی که از بندگی من گردنکشی می‌کنند، با خواری وارد دوزخ خواهند شد. از این آیه نکات زیر مستفاد می‌شود:

- خدای تعالی امر فرموده به دعا، و استجابت آن را ضمانت کرده است؛

- «إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي»، از سیاق آیه شریفه معلوم می‌شود مقصود از دعا، عبادت واجب است، یا اینکه مقصود آیه آن است که دعا کردن به منزله عبادت است و آن واجب است؛

- دعا نکردن یا عبادت نکردن، گردنکشی و تکبر در برابر خداوند محسوب می‌شود و جزای آن جهنم است؛

^۱. «الدُّعَاءُ مَا يُدْعَى بِهِ اللَّهُ مِنَ الْقَوْلِ» (المعجم الوسيط).

^۲. «الدُّعَاءُ الرِّغْبَةُ إِلَى اللَّهِ عِزَّ وَجَلًّا» (لسان العرب).

^۳. مولوی، مثنوی، دفتر ششم، ص ۴۰۴.

^۴. همان، دفتر چهارم، ص ۴۸۶.

^۵. همان، دفتر دوم، ص ۳۸۲.

^۶. غافر، ۶۰.

- تهدید شدید در پایان آیه نشانگر این است که عبادت پروردگار و دعا کردن در برابر او واجب است؛

- معلوم می‌شود دعا نکردن، به منزله گردنکشی و طلب بزرگی در برابر خالق متعال و از بزرگ‌ترین گناهان است؛

- دعا کردن و خواستن از خداوند، سبب خضوع و فروتنی می‌شود که نقطه مقابل استکبار است.

امام محمد باقر علیه السلام درباره عبارت «إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي» می‌فرماید: «مقصود از عبادت در این آیه، دعاست که بهترین عبادت‌هاست». ^۱ امام صادق (ع) هم از پدران‌شان نقل کردند که حضرت علی (ع) فرمودند: «أربعٌ للمرءٍ لا عليه إلايمانٌ والشكرُ فإنَّ اللهَ يقولُ ما يفعلُ اللهُ بعذابكم إن شكرتم وءامتم وكانَ اللهُ شاكراً عليماً^۲ والاستغفار فإنه قال ما كانَ اللهُ ليعذبهم وأنتَ فيهم وما كانَ اللهُ مُعذبهم وهم يستغفرون^۳ والدعاءُ فإنه قال قل ما يعوبكم ربِّي لولا دُعاؤكم^۴؛ چهار چیز است که به نفع انسان است نه به ضررش: اول و دوم، ایمان و شکر، زیرا خدای تعالی می‌فرماید اگر ایمان بیاورید و شکرگزار باشید خدا شما را عذاب نمی‌کند و خداوند شکرگزار آگاه است. سوم، طلب آمرزش (استغفار) زیرا او می‌فرماید خدا عذاب نمی‌کند آنان را در حالی که تو در میانشان هستی و تا وقتی ایشان استغفار می‌کنند خداوند عذاب‌کننده آن‌ها نیست. چهارم، دعا، زیرا خدای تعالی می‌فرماید بگو اگر دعای شما نباشد پروردگارم به شما اعتنایی نمی‌کند. نبی اکرم (ص) فرمودند: «الدُّعَاءُ مَخُّ الْعِبَادَةِ وَلَا يُهْلِكُ مَعَ الدُّعَاءِ أَحَدٌ»؛ دعا مغز و لب عبادت است و کسی با دعا ضایع نمی‌شود. امیر المؤمنین علیه السلام نیز فرموده است: «الدُّعَاءُ مَفَاتِيحُ النَّجَاحِ وَمَقَالِيدُ الْفَلَاحِ»؛ ^۵ «ادفعوا أمواجَ البلاءِ عنكم بالدُّعَاءِ قَبْلَ وُرُودِ الْبَلَاءِ». ^۶ دعا کلیدهای خوشبختی و رستگاری است؛ با دعا امواج بلا را قبل از آمدن آن از خود دور کنید. امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: «مَنْ تَخَوَّفَ مِنْ بَلَاءٍ يُصِيبُهُ فَتَقَدَّمَ فِيهِ بِالْدُّعَاءِ لَمْ يَرِهِ

^۱ «عن زراره عن ابی جعفر علیه السلام قال إن الله عز وجل يقول إن الذين يستكبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین قال هو الدعاء وأفضل العباده الدعاء قلت إن ابراهیم لأواه حلیم؟ قال الأواه هو الدعاء» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۶۶).

^۲ نساء، ۱۴۷.

^۳ انفال، ۳۳.

^۴ فرقان، ۷۷.

^۵ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۳۰۰.

^۶ همان، ج ۹۰، ص ۳۴۱.

^۷ همان، ج ۱۰، ص ۹۹.

اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْبَلَاءُ أَدَاً؛^۱ هر کس از بلایی بترسد که به او برسد و به وسیله دعا بر آن پیش‌دستی کند. خداوند عزوجل هرگز آن بلا را به او نمی‌نماید.

آداب و کلیاتی درباره دعا

– گفتن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و حضور قلب: رسول اکرم (ص) فرمودند: «لَا يُرَدُّ دُعَاءٌ أَوْلَهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»؛^۲ دعایی که اول آن بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ باشد رد نمی‌شود.

– توجه به پروردگار با حضور قلب: روح دعا و نیایش، حال حضور و امید داشتن به اوست، چنان که رسول اکرم (ص) فرموده‌اند: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ دُعَاءَ مَنْ قَلْبٍ غَافِلٍ»؛^۳ بدانید که خداوند دعای دل غافل را نمی‌پذیرد.

– طلب و درخواست حقیقی همراه با اخلاص: «هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ».^۴ برای همین است که در حالت اضطرار که شخص امیدش از همه جا بریده، دعا زودتر به اجابت می‌رسد. چنانکه فرموده: «أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ».^۵

– احساس ذلت و فقر در پیشگاه خداوند: ذلت، خضوع و فروتنی، اصل بندگی است که سبب رقت قلب و جاری شدن اشک می‌شود:

چون بگریانم بجوشد رحمتم

آن خروشنده بنوشد نعمتم

رحمتم موقوف آن خوش گریه‌هست

چون گریست از بحر رحمت موج خاست^۶

^۱ کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۲۳۷.

^۲ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۳۱۳.

^۳ همان، ج ۷۴، ص ۱۷۳.

^۴ غافر، ۶۵: او زنده‌ای است که معبودی جز او نیست، پس او را بخوانید در حالی که بندگی را برای او خالص کرده‌اید.

^۵ نمل، ۶۲: کیست که درمانده را، چون او را بخواند، اجابت می‌کند؟

^۶ مولوی، مثنوی، دفتر دوم، صص ۳۷۳ و ۳۷۵.

- مطلع دعا متناسب با درخواست دعاکننده باشد: یعنی از اسماء جمال و جلال خداوند باشد که با درخواست دعاکننده مناسبت داشته باشد و سبب نزدیکی بیشتر به خدا شود، مانند «رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ»؛ «رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمَ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْأَعْظَمُ».^۲

- ثنا و ستایش پروردگار پیش از دعا: ذکر الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و صلوات و درود بر پیامبر و آل او و اینکه او را سپاس گویی. در ادعیه مأثور، همچون دعای افتتاح که با حمد و سپاس حق تعالی آغاز می‌شود و سپس با مددگیری از اسماء جمال و جلال الهی ادامه می‌یابد، سپس با شیوه بسیار بدیعی در ضمن برشمردن مواهب و رحمت‌های الهی، درخواست پذیرش دعا و درگذشتش از لغزش‌ها و نجات از سختی‌ها می‌شود. در فرازهای مختلف این دعا مشاهده می‌کنیم دوازده بار عبارت «الْحَمْدُ لِلَّهِ» با همین شیوه تکرار شده و سپس صلوات بر پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا و امام حسن مجتبی و امام حسین علیهم السلام آمده است؛ همچنین بر سایر ائمه یک به یک سلام و درود فرستاده می‌شود تا حضرت مهدی (عج) و دعا در حق ایشان و در پایان، دعا برای امور معنوی آمده است. «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَيُّ الْأَعْمَالِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ؟ فَقَالَ أَنْ تَحْمَدَهُ»^۳؛ از محمد بن مروان نقل شده که گفت از امام صادق (ع) پرسیدم کدام عمل نزد خداوند عزوجل محبوب‌تر است؟ فرمود اینکه او را حمد و سپاس گویی. «عَنْ الْمُفَضَّلِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ جُعِلَتْ فِدَاكَ عَلَّمَنِي دُعَاءَ جَامِعًا فَقَالَ لِي أَحْمَدِ اللَّهَ فَإِنَّهُ لَا يَبْقَى أَحَدٌ إِلَّا دَعَا لَكَ يَقُولُ سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ»^۴؛ از مفضل نقل شده که می‌گوید به امام صادق (ع) عرض کردم قربانت کردم دعای جامعی به من بیاموز. فرمود حمد خدای را به جای آر، زیرا هیچ نمازگزاری نباشد مگر برایت دعا کند وقتی می‌گوید خدایا بشنو سخن کسی را که سپاس می‌گزارد.

^۱ آل عمران، ۸: پروردگارا پس از آنکه ما را هدایت کردی دل‌هایمان را منحرف نکن و رحمتی به ما عطا کن، چرا که تو بسیار بخشنده‌ای.

^۲ پروردگارا ما را بیامرز و بر ما بیخشای و از آنچه خود می‌دانی درگذر که تو بلندمرتبه و بزرگی.

^۳ کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۲۸۰.

^۴ کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۲۷۹.

– استغفار، اقرار به گناه و توبه: استغفار و اقرار به گناه از مقدمات توبه است: «قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ».^۱

امام جعفر صادق (ع) از رسول اکرم (ص) چنین نقل می‌فرماید: «لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءٌ وَ دَوَاءُ الذُّنُوبِ الْاسْتِغْفَارُ»؛^۲ هر دردی دوايي دارد و دواي همه گناهان، طلب غفران است. همچنين رسول خدا (ص) فرمود: «خير الدعاء الاستغفار»؛^۳ بهترين دعا استغفار است.

– به زبان آوردن حاجات: با آنکه خدای تعالی خواسته‌های قلبی انسان را می‌داند، ولی دوست دارد بنده در مقام نیایش و دعا خواسته‌های خود را به زبان آورد. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَعْلَمُ مَا يُرِيدُ الْعَبْدُ إِذَا دَعَاهُ وَلَكِنَّهُ يُحِبُّ أَنْ تُبْتَ إِلَيْهِ الْحَوَائِجُ فَإِذَا دَعَوْتَ فَسَمِّ حَاجَتَكَ وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَعْلَمُ حَاجَتَكَ وَ مَا تُرِيدُ وَلَكِنْ يُحِبُّ أَنْ تُبْتَ إِلَيْهِ الْحَوَائِجُ»؛^۴ از امام صادق (ع) روایت شده که خداوند تبارک و تعالی هر گاه بنده به درگاهش دعا می‌کند، خواسته او را می‌داند، ولی دوست دارد بنده حوائجش را به درگاه او شرح دهد، پس هر گاه دعا می‌کنید خواسته خود را نام ببرید. در حدیث دیگری فرمود: «خداوند عزوجل حاجات و خواسته‌های تو را می‌داند، ولی دوست دارد هر حاجتی برای او شرح داده شود.

لیک گفتی گرچه می‌دانم سیرت زود هم پیدا کنش بر ظاهره^۵

– برشمردن نعمت‌های الهی و شکرگزاری: دعای حضرت ابراهیم (ع) نمونه زیبا و کاملی از آداب مهم دعا کردن در قرآن کریم است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ».^۶

^۱ قصص، ۱۶: [موسی] فرمود پروردگارا، من به خویشتن ستم کردم. مرا ببخش، پس خداوند از او درگذشت زیرا او آمرزنده مهربان است.

^۲ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۶۸.

^۳ کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۲۸۱.

^۴ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۴۲.

^۵ مولوی، مثنوی، دفتر اول، ص ۶۰.

^۶ ابراهیم، ۳۹.

- تضرع و زاری: تضرع و زاری سبب فروتنی و خضوع در برابر خداوند کریم می‌گردد. گاهی که بنده به سبب سرخوشی و پیروی از هوای نفس دچار غفلت می‌شود، خدای تعالی مشکلی در کار او می‌اندازد تا هوشیار شود و به مقام بندگی برگردد: «وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ».^۱ از امام محمد باقر (ع) درباره این آیه سؤال شد، فرمودند: «استکانت به معنای سر فرود آوردن و کوچکی کردن است و تضرع، بلند کردن دست‌ها برای دعا و زاری است».^۲ «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَكَلَهُ كَيْلٌ وَوَزْنٌ إِلَّا الدُّمُوعُ فَإِنَّ الْقَطْرَةَ تُطْفِئُ بَحَارًا مِنْ نَارٍ»؛ امام صادق (ع) می‌فرماید در این عالم هر چیزی وزن و پیمانه‌ایی دارد، مگر گریه که یک قطره‌اش دریاهایی از آتش را خاموش می‌کند. از امام باقر (ع) نیز چنین روایت شده است که هیچ قطره‌ای نزد خداوند محبوب‌تر نیست از یک قطره اشک که در تاریکی شب از ترس خدا باشد و نظری به دیگری در آن نباشد. «مَا مِنْ قَطْرَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ قَطْرَةٍ دُمُوعٍ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ مَخَافَةَ مِنَ اللَّهِ لَا يُرَادُ بِهَا غَيْرُهُ».^۳

- توکل و واگذاری نتیجه به خود او: توکل به معنای واگذار کردن کار خود به دیگری است، توکل بر خدا یعنی واگذار کردن کار به خدا و اطمینان به تدبیر اوست. به عبارت دیگر، توکل بر خدا رضایت دادن به تدبیر او همراه واگذاری کارها به او و چنگ زدن به ریسمان طاعت اوست.^۴ «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»؛^۵ «وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ».^۶

- پایان دادن با فصل الخطاب مناسب: یعنی ذکر مناسب با درخواست، مانند دعای حضرت ایوب (ع) در قرآن کریم که می‌فرماید: «وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا

^۱. مؤمنون، ۷۶: «به راستی ایشان را گرفتار عذاب کردیم [تا به خود آیند]، ولی در برابر پروردگارشان نه فروتنی کردند و نه تضرع».

^۲. «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ الْإِسْتِكَانَةُ هِيَ الْخُضُوعُ وَالتَّضَرُّعُ رَفْعُ الْيَدَيْنِ وَالتَّضَرُّعُ بِهِمَا» (کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۲۴۷).

^۳. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۲۵۰.

^۴. همان.

^۵. طبرسی، مجمع البیان، ج ۵ و ۶، ص ۲۸۷.

^۶. طلاق، ۳: «و هر کس بر خداوند توکل کند خدا برایش کافی است».

^۷. هود، ۸۸: «و توفیق من جز به دست خدا نیست، بر خدا توکل کرده‌ام و برگشت و انابه‌ام به سوی اوست».

بِهِ مِنْ ضُرِّ وَعَاتِنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَىٰ لِلْعَابِدِينَ».^۱ در آیه دیگر می‌فرماید: «رَبَّنَا ءَامِنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ».^۲

عوامل مؤثر در استجاب دعا

– یقین و اعتماد به اجابت دعا: رسول اکرم (ص) و امام جعفر صادق (ع) به ترتیب در این باره می‌فرمایند: «ادْعُوا اللَّهَ وَأَنْتُمْ مُوقِنُونَ بِالْإِجَابَةِ»؛^۳ «إِذَا دَعَوْتَ فَظَنَّ أَنَّ حَاجَتَكَ بِالْبَابِ»؛^۴ خدا را بخوانید در حالی که یقین دارید که دعای شما اجابت می‌شود؛ هر گاه دعا کردی فکر کن که حاجتت بر در خانه است.

– پافشاری و اصرار در دعا و انتظار اجابت: در قرآن کریم، دعای حضرت زکریا (ع) در طلب فرزند، نماد از این امر مهم است: «وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرْثَنِي وَبِئْرَثُ مِنْ ءَالِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا».^۵

امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ كَرِهَ إِلْحَاحَ النَّاسِ بَعْضِهِمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الْمَسْأَلَةِ وَ أَحَبَّ ذَلِكَ لِنَفْسِهِ»؛^۶ خداوند دوست ندارد مردم برای برآوردن حاجتشان به یکدیگر اصرار ورزند، ولی این کار را برای خودش دوست دارد [خداوند دوست دارد دعاهايشان اصرار ورزند و پیوسته حاجاتشان را از خداوند بخواهند].

^۱ . انبیاء، ۸۳ و ۸۴: «و ایوب را به یاد آور هنگامی که پروردگارش را ندا داد که به من رنج و زیان رسیده و تو مهربان‌ترین مهربانانی».

^۲ . المؤمنون، ۲۳.

^۳ . مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۷۳.

^۴ . کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۲۳۸.

^۵ . مریم، ۵ و ۶: «و من از خویشاوندانم [پسر عموهام] از پس [مرگ] خویش بیمناکم و زخم نازاست، پس مرا از نزد خود ولی‌ای [فرزند] که پس از من سرپرست امور من باشد، ببخش که مرا میراث برد و از خاندان یعقوب نیز میراث گیرد و او را، پروردگارا، پسندیده ساز». آیات ۶۲-۶۱ سوره مبارکه مریم شرح دعای ذکریا (ع) است و در آیه ۷ اجابت دعای ایشان و بشارت به تولد یحیی (ع) ذکر شده است.

^۶ . مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۷۳.

– دارا بودن شرایط ظاهری (مانند طهارت، رو به قبله بودن (استقبال)، بلند کردن دست‌ها و ...): «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ»^۱.

– زمان و مکان دعا: اوقات شریفه و زمان‌هایی که استجاب دعا در آن وارد شده است، همچون زوال خورشید، یعنی هنگامی که خورشید به نصف النهار می‌رسد (اذان ظهر) و هنگام غروب خورشید و مغرب به هنگام شنیدن صدای اذان و در نیمه شب و سحرگاه و هنگام سپیده‌دم و همچنین در هنگام نزول باران و ... و نیز در مساجد و اماکن متبرکه. «قال أمير المؤمنين عليه السلام إغتنموا الدعاء عند أربع عند قرائه القرآن وعند الأذان وعند نزول الغيث وعند التقاء الصغين للشهادة»؛ امیرالمؤمنین (ع) فرمود: دعا را در چهار وقت غنیمت شمارید: به هنگام قرائت قرآن و در هنگام اذان و به هنگام نزول باران و برخورد دو صف حق و باطل برای شهادت و جانبازی.

– دعا درباره دیگران: دعای حضرت نوح (ع) نمونه‌ای از دعا در حق دیگران است: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ»^۲؛ و نیز دعای حضرت ابراهیم (ع) بعد از شکر و سپاس خدای تعالی جهت اعطای دو فرزند در سن پیری (اسماعیل و اسحاق) دعا می‌کند در حق آنان و ذریه اش و از خدا می‌خواهد که برپا دارنده نماز باشند، سپس برای پدر و مادر و همه‌ی مؤمنین دعا می‌کند: «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ»^۳ امام صادق (ع) از قول رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «إِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ فَلْيَعْمَ فَإِنَّهُ أَوْجَبُ لِلدُّعَاءِ»^۴؛ هر گاه یکی از شما دست به دعا برمی‌دارد، برای همه دعا کند، زیرا آن دعا بهتر اجابت می‌شود.

– واگذاری صلاح کار خود به خدا: چیزی را که نشدنی است از خدا نخواهد، گرچه خداوند قادر است، ولی ابا دارد از انجام کارها مگر از طریق اسباب و علل آن.

^۱ بقره، ۲۲۲: «خداوند کسانی را که بسیار توبه می‌کنند و کسانی که خود را پاک می‌کنند دوست دارد».

^۲ کلینی، الکافی، ۲/۴۳؛ نوح، ۲۸: «پروردگارا، من و پدر و مادرم و هر که با ایمان به خانه من وارد شود و همه مردان و زنان مؤمن را بیامرزد».

^۳ ابراهیم، ۴۱. پروردگارا من و پدر و مادرم و همه‌ی مؤمنین در روزی که حساب برپا میشود بیامرزد

^۴ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۸۷.

- دعا کردن در هر حال، چه در گرفتاری و چه در آسایش: کسانی که در آسایش و راحتی دعا می‌کنند خداوند در گرفتاری بهتر جوابشان را می‌دهد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «مَنْ تَقَدَّمَ فِي الدُّعَاءِ اسْتَجِيبَ لَهُ إِذَا نَزَلَ بِهِ الْبَلَاءُ وَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ صَوْتٌ مَعْرُوفٌ»؛ هر کس پیش از نزول بلا و گرفتاری دعا کند، در هنگام نزول بلا خدا دعایش را اجابت می‌کند و فرشتگان می‌گویند [این] صدا شناخته شده است. «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُسْتَجَابَ لَهُ فِي الشَّدَّةِ فَلْيُكْثِرِ الدُّعَاءَ فِي الرَّخَاءِ»؛ هر که دوست دارد در حال سختی دعایش مستجاب شود، در حال راحتی بسیار دعا کند.

- صدقه دادن: از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: پدرم هر گاه حاجتی داشت آن را به هنگام ظهر طلب می‌کرد و چون آهنگ آن می‌نمود چیزی صدقه می‌گذاشت و به مستحق می‌رساند و مقداری عطر می‌بوید و به مسجد می‌رفت و برای حاجت خود به آنچه خدا می‌خواست دعا می‌کرد: «عن أبي عبدالله (ع) قال كان أبي إذا طلب الحاجه طلبها عند زوال الشمس فإذا أراد ذلك قدم شيئاً فتصدق به وشم شيئاً من طيب وراح إلى المسجد ودعا في حاجته بما شاء الله».^۳

- اجتماع کردن برای دعا: یکی دیگر از عواملی که در استجاب دعا مؤثر است اجتماع است. در روایات نیز به آن سفارش شده، چنان که از امام صادق (ع) نقل شده که فرمودند: چهار تن گرد هم نیایند که برای مطلبی به درگاه خدا دعا کنند مگر آنکه با اجابت دعا از یکدیگر جدا شوند: «عن أبي عبدالله (ع) قال ما اجتمع أربعة رهط قط على أمر واحد فدعوا الله إلا تفرقوا عن إجابته».^۴

مواع استجاب دعا

- گناهان و صفات رذیله: تعدی و تجاوز به حقوق دیگران از جمله گناهان بسیار بزرگ است که سبب بی‌مهری و دوری از رحمت پروردگار می‌شود، چنان که او خود می‌فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ

۱. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۲۳۶.

۲. همان، ج ۴، ص ۲۳۷.

۳. کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۲۵۷.

۴. همان، ج ۴، ص ۲۴۴.

يُفَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ^۱؛ در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید و [توجه داشته باشید که] از حد نگذرید و تعدی و تجاوز نکنید که خدا تجاوزکاران را دوست ندارد.

– عهدشکنی با خدا: از دیگر مواردی که مانع استجاب دعا می‌شود پیمان‌شکنی با خداست: «وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُون»؛ و به پیمان من وفا کنید تا به پیمان شما وفا کنم و فقط از من بترسید. از حضرت صادق (ع) سؤال شد چرا ما خدا را می‌خوانیم و به ما جواب نمی‌دهد. ایشان در جواب فرمودند: زیرا شما به عهد خدا وفا نمی‌کنید و خداوند فرموده است: «وفا کنید به عهد من تا من وفا کنم به عهدم. به خدا قسم اگر شما به عهدتان وفا کنید خداوند نیز به عهدش وفا می‌کند»: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ لَهُ رَجُلٌ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ وَإِنَّا نَدْعُو فَلَا يُسْتَجَابُ لَنَا قَالَ لِأَنَّكُمْ لَا تَقُونَ اللَّهَ بِعَهْدِهِ وَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَاللَّهُ لَوْ وَفَيْتُمْ لِلَّهِ لَوْفَى اللَّهُ لَكُمْ»^۲.

– عدم مصلحت دعاکننده: گاهی مصلحت دعاکننده در آن نیست که دعایش مستجاب شود، ولی انسان بر خواسته‌اش اصرار می‌ورزد، اما بعداً می‌فهمد که عدم اجابت دعا به سودش بوده است؛ مانند داستان دزد و مارگیر در مثنوی:

دزدکی از مارگیری، مار برد	ز ابلهی آن را غنیمت می‌شمرد
وارهید آن مارگیر از زخم مار	مار، کشت آن دزد را زار زار
مارگیرش دید پس بشناختش	گفت: از جان مار من پرداختش
در دعا می‌خواستی جانم از او	کش بیابم مار بستانم از او
شکر حق را کان دعا مردود شد	من زیان پنداشتم آن سود شد
بس دعاها کان زیان است و هلاک	وز کرم می‌نشنود یزدان پاک ^۳

^۱. بقره، ۱۹۰.

^۲. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۴۶

^۳. مولوی، مثنوی، دفتر دوم، صص ۱۳۵-۱۴۰.

قرآن کریم نیز در این باره می‌فرماید: «وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»؛^۱ «فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا»؛^۲ «وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا»؛^۳ و چه بسا شما از چیزی بدتان بیاید حال آنکه خیرتان در آن باشد و چه بسا چیزی را دوست داشته باشید، ولی برایتان بد باشد و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید؛ چه بسا چیزی خوشایند شما نیست و خدا در آن خیر فراوانی قرار می‌دهد؛ و انسان به همان صورت که نیکی‌ها را می‌طلبد [بدون توجه به عواقب امور و به سبب جهل به مصالح و مفسدات] بدی‌ها را می‌طلبد و انسان بسیار عجول است.

آثار دعا و نیایش

- کسانی که به دعا اعتقاد دارند، در بحران‌های زندگی راه خویش را بهتر پیدا می‌کنند، الکسیس کارل می‌گوید: «از مطالعاتی که در تاریخ بشر انجام دادم به این نتیجه رسیدم که جوامعی که به دعا اعتقاد ندارند، زودتر نابود می‌شوند».^۴

- نیایش و دعا یکی از ابعاد واقعی وجود انسان است. دعا یکی از بخش‌های اصیل زندگی ماست و هر میل طبیعی که در وجود ماست اصالت دارد و حقیقت است، ولی تعادل در همه امیال طبیعی، راه عقل است. از نظر روانشناسی بر اثر گفتن و بخصوص تکرار، فرد منفعل می‌شود، اما وقتی خواسته فرد در دلش باشد، سبب حرکت نمی‌شود. می‌گویند وقتی دعا را به زبان می‌آوریم از ابهام خارج می‌شود و به گونه‌ایی در عالم خارج ظهور پیدا می‌کند. روانشناسی معتقد است که دعا را باید به زبان آورد، زیرا ادای کلمات نسبت به افکار غیرملفوظ، قدرت تلقینی بیشتری دارد؛ روانشناسی بر این باور است که ادای کلمات نسبت به افکار غیرملفوظ صرف، قدرت تلقینی بیشتری دارد و تأکید دارد که دعای شفاهی برای پالایش و تقویت ذهن و احساسات بسیار مؤثر است، زیرا به این نتیجه رسیده که مرکز گفتاری انسان، با زندگی ذهنی او ارتباط نزدیکی دارد؛ بدین ترتیب وقتی واژه‌های نیکویی‌بخش را ادا می‌کند در واقع زندگی ذهنی را تقویت می‌کند.^۵

۱. البقره/ ۲۱۶.

۲. نساء/ ۱۹.

۳. ابراء/ ۱۱.

۴. شریعتی، نیایش، ص ۴۶

۵. پاندر، قدرت دعا، ص ۱۶۵

خدای تعالی در کمال نزدیکی به بندگان

«وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»^۱ در این آیه چند نکته مورد توجه است:

اول، اساس گفتار را بر متکلم وحده (من) قرار داده است، چنان که فرمود من نزدیکم و نفرمود او نزدیک است. ضمیر متکلم وحده «من» را مکرراً تکرار کرده است و همه این‌ها نشان می‌دهد که خداوند کمال عنایت را به مضمون این آیه دارد.

دوم، فرمود: بندگان من (عبادی) و نفرمود: مردم (الناس) و این عنایت را بیشتر می‌رساند.

سوم، هیچ واسطه‌ای در بین نگذاشته و نفرموده است به پیامبر بگو به آن‌ها چنین و چنان، بلکه فرموده است بندگان من وقتی سراغ مرا از تو می‌گیرند، من نزدیکم.

چهارم، عبارت «فَأِنِّي قَرِيبٌ» تأکید بر نزدیکی خدای تعالی است که با حرف «ان» این تأکید بیان شده است، یعنی یقیناً من نزدیکم.

پنجم، برای بیان معنای نزدیکی، کلمه «قریب» را آورده است که صفت است و دلالت بر دوام دارد و فعل نیآورده، تا بدین وسیله ثبوت و دوام نزدیکی خداوند را برساند.

ششم، در بیان اینکه خداوند دعا را مستجاب می‌کند فعل مضارع آورده است، نه ماضی، تا استمرار اجابت را برساند.

هفتم، خدای متعال وعده اجابت را (اجابت می‌کنم دعای اجابت کننده را) مقید به یک قید نموده است (اگر مرا بخوانند). از اینجا معلوم می‌شود که خداوند دعای دعاکننده را اگر او را بخواند، بدون هیچ قید و شرط دیگری اجابت می‌کند.

هشتم، در این آیه کریمه با همه اختصارش، هفت بار ضمیر متکلم (من) تکرار شده است و این آیه از این نظر منحصر به فرد است. در حقیقت این آیه هم مسئله اجابت دعا را بیان می‌کند و هم علل آن را.

^۱ بقره، ۱۸۶: و چون بندگان من از تو درباره من می‌پرسند همانا من به آنان نزدیکم و دعای دعاکننده را وقتی که مرا می‌خوانند اجابت می‌کنم، پس آنان هم باید دعوت مرا اجابت کنند و به من ایمان بیاورند. باشد که راه یابند.

در عبارت «أَجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ» دو نکته مهم نهفته است: اول آنکه اجابت را بر دعا مقدم داشته و از طرف دیگر، خداوند بدون قید و شرط دعای کسی را که حقیقتاً دعا می‌کند، یعنی قلبش با زبانش یکی است، اجابت می‌کند. نکته دیگر آنکه دعای واقعی آن است که فرد خداوند را حقیقتاً و از سر صدق و راستی بخواند، پس اگر دعا مستجاب نشود به این معناست که آن دعا، دعا نبوده یا حقیقتاً خدا را نخوانده است، یعنی یکی از این دو شرط را نداشته است و به ظاهر خدا را خوانده و در دل به اسباب و امور مادی دلبسته بوده است.^۱

نتیجه

دعا شامل دو مرحله اصلی است:

الف. یافتن خود در مقابل پروردگار عالم و در نظر گرفتن جلال و جبروت او؛

ب. درخواست فقیر از غنی، خواهش محتاج تمام‌عیار از صاحب همه خزائن هستی.

احساس فقر و نقص در برابر غنی بالذات، حالتی در بنده پدید می‌آورد که خود را محتاج کمال می‌بیند. به این حالت، «طلب» می‌گویند که طلب مبدأ نجات و آغاز سیر به سوی کمال است. دعا ارتباط با خداست و رابطه‌ای عاشقانه با آفریدگار جهان است؛ این رابطه دوجانبه است و آغازگر آن خود خداوند است، زیرا او فرموده: بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را. همو فرموده: هر گاه بندگان من از من پرسیدند، بگو من حقیقتاً نزدیکم. اگر مرا بخوانند پاسخگوی آنان هستم.

دعا دری است که خداوند به روی بندگانش گشوده و دری را که خدا بگشاید کسی را یارای بستن آن نیست. دعا کردن و درخواست از خدای تعالی سبب خضوع و فروتنی می‌شود که نقطه مقابل استکبار است که از گناهان کبیره است. با توجه به آیه ۶۰ سوره غافر معلوم می‌شود که مقصود از دعا، فریضه (یعنی نماز) نیست، زیرا دعا نکردن در این آیه سبب گردنکشی و تکبر در برابر خداوند است که جزای آن جهنم است. برای دعا آداب و شرایطی ذکر شده که بخشی از آن مربوط به فرد دعاکننده و بخشی مربوط به خود عمل دعاست. شرایط مربوط به دعاکننده از این قرار است:

گفتن بسم الله الرحمن الرحيم؛

دارا بودن شرایط ظاهری، همچون طهارت، رو به قبله بودن و ...

^۱. طباطبایی، المیزان، ج ۲، صص ۳۰ به بعد.

داشتن اخلاص و احساس ذلت و فقر در پیشگاه حق تعالی؛

ثنا و ستایش و شکرگزاری در برابر پروردگار و برشمردن نعمت‌های او؛

استغفار و اقرار به گناه و توبه؛

به زبان آوردن حاجات و تضرع و زاری؛

پافشاری و اصرار در دعا و یقین در پذیرش دعا و در عین حال توکل و واگذاری نتیجه به خود خدا؛

دعا کردن در هر حال، چه در غم و اندوه و چه در فرح و خوشحالی.

همچنین، درمطلع یا در خلال دعا خوب است بنده به اسماء و صفات جمال و جلال الهی، متناسب با درخواست خود تبرک بجوید و نیز در پایان دعا از فصل الخطابی مناسب استمداد بجوید.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۹۹۷م، *لسان العرب*، دارصادر، چاپ اول، بیروت
۲. بلخی، جلال الدین محمد، *مثنوی معنوی*
۳. پاندر، کاترین، ۱۳۸۸، *قدرت دعا*، ترجمه مینا اعظامی، انتشارات صورتگر، تهران
۴. حرّ عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، *وسائل الشیعه*، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، چاپ اول، قم
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۶ ق، *مفردات الفاظ القرآن*، انتشارات مرتضوی، چاپ دوم، تهران
۶. زمانی، کریم، ۱۳۹۲، *میناگر عشق*، شرح موضوعی مثنوی معنوی، نشر نی، چاپ یازدهم، تهران
۷. شریعتی، علی، نیایش، ۱۳۶۲، *مجموعه آثار شماره ۸*، چاپ دهم، انتشارات الهام، تهران.
۸. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۹۴ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، مؤسسه‌ی الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، بیروت.

۹. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۵ ش، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، انتشارات ناصر خسرو، چاپ اول، تهران.
۱۰. فیض الاسلام، سیدعلی نقی، ۱۳۴۰ق، *ترجمه و شرح نهج البلاغه*، بی جا.
۱۱. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷ش، *تفسیر قمی*، دارالکتاب، چاپ چهارم، قم.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۹۷ق، *الکافی*، دارالکتب الإسلامیه، چاپ پنجم، تهران.
۱۳. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، بیروت.
۱۴. مدکور، ابراهیم و دیگران، ۱۳۷۶، *المعجم الوسیط*، چاپ هفتم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۵. هایلر، فریدریش، ۱۳۹۲، *نیایش؛ پژوهشی در تاریخ و روانشناسی دین*، ترجمه شهاب الدین عباسی، نشر نی، تهران.